

امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

زمان: ۱۰ صبح ۱۳ دقیقه: ۹۰ دقیقه

شماره نام و نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه
شماره نام و نام خانوادگی	نوع مدرسه	نوع مدرسه

نیم سال اول ۹۸-۹۷
رشته فقه و روای ۹۷

مهر مدرسه

کد ملی:	۳۹۷۱/۱۰
تاریخ:	۱۳۹۷/۱۰/۲۷
موضوع:	اصول فقه ۱
کتاب:	دروس فی علم الاصول «الحلقه الثالثة»
صفحه:	جزء اول: از ابتدای درس اول تا پایان درس ۳۶ (ص ۱۷۸-۱۵)

نام و نام خانوادگی: نام پدر: نام مدرسه: استان:

۰/۵

۱- دلیل اشتراک احکام بین عالم و جاهل به نظر شهید صدر (ه) چیست؟ ص ۲۴

الف. اجماع بر اشتراک احکام

ب. اطلاق ادله احکام شرعی

ج. تبعیت احکام از مصالح واقعی

د. استحاله عقلی اختصاص حکم به عالم

۰/۵

۲- در کدام مورد «مدلول تصدیقی جدی امر» طلب و وجوب است؟ ص ۱۲۱

الف. امر الطیب للمریض للشرب الدواء

ب. استقبال القبلة بذیحتک

ج. أحسن بالوالدین إحساناً

د. اغسل ثوبک من البول

۰/۵

۳- ماهیت با «لحاظ عدم قید» کدام است؟ ص ۱۲۹

الف. بشرط لا

ب. لا بشرط مطلقاً

ج. لا بشرط قسمی

د. لا بشرط مقسمی

۰/۵

۴- در کدام یک از جملات شرطیه زیر، شرط تنها راه ایجاد موضوع است؟ ص ۱۷۲

الف. إذا جاءکم فاسق بنبا فتبینوا

ب. إذا وجدت مالاً فتصدق منه

ج. إذا رأیت الاستاد فسلمه

د. إذا توضأت فصل

۱

۵- فرق بین امارات و اصول عملیه را به نظر شهید صدر (ه) تبیین کنید. ص ۳۸ - ۱ نمره

جواب: امارات: خطابی که اهم از ملاکات واقعی را در فرض اشتباه به لحاظ قوت احتمال مشخص می کند.

اصول عملیه: خطابی که اهم از ملاکات واقعی را در فرض اشتباه به لحاظ قوت محتمل و نوع حکم مشخص می کند. (رساندن مفهوم کافی است).

۶- با توجه به عبارت «و أمّا التکلیف المنکشف بالقطع فلا یمکن ورود المؤمن من المولی بالترخیص الجادّ فی مخالفته لانّ هذا الترخیص

إمّا حکم واقعی حقیقی و اما حکم ظاهریّ طریقّی و کلاهما مستحیل» وجه استحاله را در دو فرض مذکور بنویسید. ص ۵۲ - ۲ نمره

۲

جواب:

در صورتی که ترخیص، حکم واقعی باشد لازمه اش اجتماع دو حکم واقعی متنافی است البته در صورتیکه مقطوع مطابق واقع باشد و حتی اگر مقطوع مطابق واقع هم نباشد لازمه اش اجتماع حکمین متنافیین در نظر قاطع است (چون او احتمال نمی دهد قطعش مطابق واقع نباشد) و اگر ترخیص، حکم ظاهری باشد مسلماً در موارد قطع جاری نمی شود چون در موضوع حکم ظاهری شک اخذ شده است.

۲

۷- نظر محقق نائینی (ه) و محقق خوئی (ه) در مورد حجیت مثبتات امارات را با دلیل بررسی کنید. ص ۷۳ و ۷۴ - ۲ نمره

جواب: محقق نائینی (ه) با توجه به مبنایشان در تفسیر حکم ظاهری در امارات که مفاد دلیل حجیت اماره را جعل علمیت می داند پس کل آثار علم مترتب می شود و از شؤون علم به چیزی، علم به لوازم آن چیز است از این رو مدلولات التزامی امارات را حجت می داند. ولی آیه الله خوئی (ه) مثبتات امارات را حجت نمی داند، زیرا شارع با حجیت بخشیدن به امارات آن ها را تعبداً علم اعتبار می کند، لذا به مقداری که شارع ما را متعبد می کند اثر بر مؤدی مترتب می کنیم و این گونه نیست که مانند علم وجدانی همه لوازمش بر آن مترتب شود.

۸- نظر مرحوم صاحب کفایه^(ه) را در معانی حرفی «ان معنی الحرف هو نفس معنی الإسم» تبیین کرده، برهان شهید صدر^(د) را در نقد ایشان به اختصار بنویسید. ص ۹۷ - ۲ نمره

۲

جواب: صاحب کفایه^(ه) معتقدند که حروف و اسماء موزی با آن (مثلاً من و الابتداء) کاملاً معنایی مطابق با یکدیگر دارند و از لحاظ موضوع له هیچ تفاوتی با یکدیگر ندارند و حتی مستعمل فیہ آن‌ها نیز با یکدیگر یکسان است تنها فرقی که دارند در لحاظ ذهنی آن‌ها است که در اسماء معانی با لحاظ استقلالی لحاظ می‌شوند و در حروف معانی با لحاظ آلی لحاظ می‌شوند و اما نقد کلام صاحب کفایه علیه‌الرحمه: برهان زیر بیان‌کننده تغییر ذاتی معنای اسمی و حرفی است: بدون شک صورت ذهنیه در جمله «سار زید من البصره الی الکوفه» مشتمل بر معانی کاملاً مرتبط به یکدیگر می‌باشد پس باید بین اجزاء این جمله ربط موجود باشد تا سیر و زید و بصره و کوفه را به یکدیگر ربط دهد پس باید در این جمله کلماتی باشد که معانی آن‌ها ربط باشد و چون هیچ کدام از معانی اسمیه معنای ربطی ندارند پس حتماً باید حروف مستعمل در جمله معنای ربط داشته باشند و معنای ربطی یعنی معنای غیر مستقل و جزئی.

۹- مراد از «قدر متیقن» در «مقام تخاطب» و «از خارج» را با مثال تبیین کرده، بنابر نظر شهید صدر^(د) هر کدام، چه نقشی در اطلاق‌گیری از کلام دارند؟ ص ۱۴۱ - ۲ نمره

۲

جواب: وقتی کلامی از مولی صادر می‌شود گاهی اوقات می‌دانیم این حکم متیقناً شامل حصه‌ای خاص می‌شود و این حصه تقیید نخورده است یقیناً، حال اگر این کشف از خود لفظ صادر از مولا باشد مانند وقتی که بعض حصص مورد سوال واقع شود و معصوم^(علیه‌السلام) لفظ را مطلق بیان کنند که در این صورت قدر متیقن در مقام تخاطب موجود است ولی گاهی اوقات مولا می‌گوید: «جئنی بماء» و ما از خارج می‌دانیم متیقناً شامل آب فرات می‌شود و در این صورت قدر متیقن از خارج است. (۱/۵ نمره) هیچ کدام از قدر متیقن در مقام تخاطب و از خارج در ظهور کلام در اطلاق مانعی ایجاد نمی‌کنند [هیچ نقشی ندارند بر خلاف نظر صاحب کفایه^(ه)]. (۰/۵ نمره)

۱۰- عبارت «و یدل الاطلاق الاحوالی فی الشرط علی انه علة تامه بالفعل دائماً و هذا یستلزم عدم وجود علة اخرى للجزاء و الا لكانت العلة فی حال اقتراهما المجموع، لا الشرط بصورة مستقلة؛ لاستحالة اجتماع علتین مستقلتین علی معلول واحد فیصبح الشرط جزء العلة و هو خلاف الاطلاق الاحوالی المذكور» را تبیین کرده، در صدد اثبات چیست؟ ص ۱۶۶ - ۲ نمره

۲

جواب: برخی برای اثبات انحصاری بودن علیت شرط برای جزء به اطلاق احوالی تمسک کرده‌اند، (۰/۵ نمره) به این نحو که اطلاق احوالی دلالت می‌کند بر اینکه شرط بالفعل در تمام حالات علت تامه جزء است و این دلالت می‌کند بر اینکه علت دیگری برای جزء نیست و شرط علت منحصره است زیرا اگر جزء علت دیگری نیز داشته باشد در این صورت یا به تنهایی علت جزء است و یا با شرط در جمله شرطیه، اما به تنهایی علت جزء نیست زیرا استحاله دارد معلول واحد، دو علت مستقل داشته باشد و جزء علت هم نیست زیرا با اطلاق احوالی منافات دارد که شرط را علت تامه بالفعل در همه حالات می‌دانست. (۱/۵ نمره)